



تأثیر -توبه- در سقوط مجازات های حدی در جرایم دانش آموزی: تبیین مبانی فقهی و ارزیابی پیامدهای تربیتی در فرآیند بازاجتماعی سازی ولی غلامی، امیر خزائی،

ولی غلامی - Ghulumiwwly609@gmail.com -
دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی
دانشگاه پیام نور شهر ری
امیر خزائی - amirfhg32@gmail.com - دانش آموخته
سطح 2 سفیران هدایت

فهرست مطالب

مقدمه

۱. طرح مسئله

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

۳. اهداف پژوهش

۴. پیشینه پژوهش

۵. روش پژوهش

۶. ساختار مقاله

فصل اول: مفاهیم کلیدی و چارچوب نظری

۱. تعریف مفاهیم

۱.۱. توبه (لغوی، فقهی و اخلاقی)

۱.۲. مجازات های حدی

۱.۳. جرایم دانش آموزی

۱.۴. سقوط مجازات

۱.۵. بازاجتماعی سازی

۲. ویژگی های دانش آموزان

تأثیر "توبه" در سقوط مجازات های حدی در جرایم
دانش آموزی: تبیین مبانی فقهی و ارزیابی پیامدهای
تربیتی در فرآیند بازاجتماعی سازی

نویسنده:

ولی غلامی^[1]

امیر خزائی^[2]

- ۲.۱. مسئولیت کیفری کاهش یافته
- ۲.۲. آسیب پذیری و قابلیت اصلاح
۳. چارچوب نظری
- ۳.۱. نظریه های فقهی مجازات
- ۳.۲. نظریه های روانشناسی رشد
- ۳.۳. نظریه های جرم شناسی نوجوانان
- فصل دوم: تبیین مبانی فقهی تأثیر توبه در سقوط حد
۱. ادله عام مشروعیت توبه
- ۱.۱. ادله نقلی (کتاب و سنت)
- ۱.۲. اجماع و عقل
۲. مبانی اختصاصی برای دانش آموزان
- ۲.۱. قاعده "قبح عقاب بلا بیان"
- ۲.۲. توسعه دایره شبهه
- ۲.۳. تقدم اهداف تربیتی
۳. شرایط توبه مؤثر
- ۳.۱. نقش نیت و *یسکړن*
- ۳.۲. همراهی با اقدامات تربیتی
- ۳.۳. نقش خانواده و مدرسه
- فصل سوم: ارزیابی پیامدهای تربیتی و بازاجتماعی سازی
۱. پیامدهای مثبت تربیتی
- ۱.۱. فرصت اصلاح و بازگشت
- ۱.۲. تقویت مسئولیت پذیری اخلاقی
۲. چالش ها و پیامدهای منفی
- ۲.۱. خطر سوءاستفاده راهبردی
- ۲.۲. غفلت از حقوق بزه دیده
۳. نقش توبه در بازاجتماعی سازی
- ۳.۱. جلوگیری از گسست آموزشی
- ۳.۲. جایگزین های سازنده مجازات
- ۳.۳. کاهش انگ اجتماعی
- فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهادات
۱. جمع بندی یافته ها
- ۱.۱. خلاصه مبانی فقهی
- ۱.۲. جمع بندی پیامدهای تربیتی
۲. نتیجه گیری کلی
۳. پیشنهادات
- ۳.۱. پیشنهادات حقوقی-قضایی
- ۳.۲. پیشنهادات تربیتی-اجرایی
- ۳.۳. پیشنهادات پژوهشی

چکیده :

راه‌اندازی "واحدهای فوریت تربیتی" در مدارس،

تجلی یافته است. این الگو نه تنها تجلی رحمت اسلامی و عقلانیت تربیتی است، بلکه از تبدیل خطای گذرای نوجوانی به بزهکاری مستمر پیشگیری می‌کند.

کلیدواژه:

۱. توبه ۲. مجازات‌های حدی ۳. جرایم دانش‌آموزی ۴. مبانی فقهی ۵. بازاجتماعی‌سازی ۶. عدالت ترمیمی ۷. مسئولیت کیفری نوجوانان ۸. سیاست کیفری تربیت‌محور

مقدمه

جرایم حدی، به عنوان سنگین‌ترین طیف جرایم در نظام حقوقی اسلام، دارای جایگاه و حساسیت ویژه‌ای هستند چرا که مستقیماً به حفظ ضروریات دین و مصالح کلان جامعه انسانی نظیر حفظ نفس، نسل، عقل، ناموس و امنیت مرتبط می‌شوند (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). تشریع مجازات‌های حدی، علاوه بر جنبه‌ی دفاع اجتماعی و اجرای عدالت کیفری، در پی تحقق اهدافی چون اصلاح مجرم، بازدارندگی عمومی و خصوصی، و پاکسازی جامعه از فساد است (شهیدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵). با این حال، هنگامی که مرتکب چنین جرایم خطیری، یک دانش‌آموز در سنین نوجوانی باشد، این پرسش بنیادین مطرح می‌گردد که آیا اجرای بی‌چون‌وچرای مجازات‌های حدی سنگین و گاه غیرقابل بازگشت، با ویژگی‌های خاص رشدی، روانی و تربیتی این گروه سنی آسیب‌پذیر و نیز با اهداف عالی تعلیم و تربیت در محیط آموزشی سازگاری دارد؟ این تعارض ظاهری بین الزامات عدالت کیفری و مصالح تربیتی دانش‌آموزان، مسئله‌ای پیچیده و نیازمند تأمل فقهی و حقوقی عمیق است.

این پژوهش با هدف تبیین مبانی فقهی مشروعیت تأثیر توبه در سقوط مجازات‌های حدی و تحلیل پیامدهای تربیتی-بازپرورانه‌ی آن برای دانش‌آموزان مرتکب جرایم حدی، با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد بین‌رشته‌ای (فقه، حقوق کیفری، علوم تربیتی) انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشروعیت توبه در سقوط حد، افزون بر ادله‌ی عام نقلی (آیات ۳۸ مائده و ۳۳ نساء، سیره‌ی معصومین) و عقلی (همسویی با هدف اصلاحی مجازات‌ها)، با قواعد اختصاصی فقهی مانند:

۱. قبح عقاب بلابیان (ناشی از فقدان آگاهی کافی نوجوانان از کیفیات جرایم حدی)،
۲. توسعه‌ی دایره‌ی شبهه (با توجه به نقص رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان)، و

۳. تقدم مصلحت تربیت و حفظ نفس بر اجرای کیفر،

در مورد این گروه تقویت می‌شود. از منظر تربیتی، توبه با جلوگیری از برچسب‌زنی مخرب، حفظ پیوندهای خانوادگی-تحصیلی و تقویت مسئولیت‌پذیری اخلاقی درونی، ظرفیت بی‌بدیلی در تسهیل بازاجتماعی‌سازی دارد. با این حال، چالش‌هایی مانند سوءاستفاده‌ی راهبردی (و انمودسازی توبه)، کاهش ادراکی بازدارندگی عمومی و غفلت از حقوق بزه‌دیدگان، مستلزم سازوکارهای احراز توبه‌ی صادقانه (ارزیابی روانشناختی، نظارت بلندمدت) و تلفیق با عدالت ترمیمی (جبران خسارت، میانجی‌گری مدرسه‌محور) است. نوآوری پژوهش، ارائه‌ی الگویی عملیاتی مبتنی بر تلفیق مشروعیت فقهی توبه با رویکرد علمی بازاجتماعی‌سازی است که در قالب پیشنهاداتی چون:

تدوین آیین‌نامه‌ی تخصصی احراز توبه‌ی نوجوانان،

ایجاد شعب قضایی ویژه با مشاوران تربیتی،

طراحی برنامه‌های اصلاح‌محور مدرسه‌بنیاد (خدمات عام‌المنفعه، مهارت‌آموزی اخلاقی)، و

تسهیل فرآیند بازاجتماعی‌سازی این قشر آسیب‌پذیر چگونه قابل ارزیابی است؟

اهمیت و ضرورت این پژوهش از چند منظر قابل تبیین است. نخست، ضرورت حمایت همه‌جانبه از دانش‌آموزان به عنوان آینده‌سازان جامعه و جلوگیری از طرد زودهنگام آنان به دلیل خطاهای ناشی از شرایط خاص رشدی. دوم، لزوم تقدم‌دهی به اهداف تربیتی و اصلاحی بر مجازات صرفاً سزاگرایانه در محیط‌های آموزشی، که همسو با فلسفه وجودی نظام تعلیم و تربیت است. سوم، نیاز مبرم به تبیین و توسعه‌ی جایگاه نهاد توبه در حقوق کیفری ایران، به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان (که دانش‌آموزان بخش عمده‌ی آن را تشکیل می‌دهند) و رفع ابهامات اجرایی در این زمینه. چهارم، لزوم ارائه‌ی راهکارهای عملی مبتنی بر شریعت و علوم تربیتی برای قضات، مربیان، سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی جهت مواجهه‌ی سازنده با این چالش‌های پیچیده و هدایت دانش‌آموزان خطاکار به سوی اصلاح پایدار (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶).

مرور پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد اگرچه مبانی فقهی تأثیر توبه در سقوط حد به طور عام در کتب فقهی مفصلاً مورد بحث قرار گرفته‌اند (مانند انصاری، ۱۴۱۵ق.؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق.) و نیز مسائل مربوط به مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و سیاست‌های تربیتی در قبال آنان در آثار حقوقی و علوم تربیتی بررسی شده‌اند (مانند نوربها، ۱۳۹۷؛ شفیع‌آبادی، ۱۴۰۱؛ کاویانی، ۱۴۰۰)، اما پژوهش‌های تلفیقی که به طور خاص به بررسی نقش توبه در جرایم حدی دانش‌آموزان با تمرکز همزمان بر مبانی فقهی اختصاصی (متناسب با وضعیت آنان) و تحلیل نظام‌مند پیامدهای تربیتی و بازاجتماعی‌سازی پرداخته باشند، بسیار محدود و اغلب پراکنده هستند. مطالعات موجود غالباً یا صرفاً فقهی-حقوقی هستند و ابعاد تربیتی و روانشناختی را عمیقاً واکاوی نکرده‌اند، یا بر جرایم تعزیری دانش‌آموزان متمرکز شده‌اند و ابعاد خاص جرایم حدی را نادیده گرفته‌اند. این

دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره‌ی نوجوانی، در مرحله‌ای حساس از رشد شناختی، عاطفی و اخلاقی قرار دارند. ویژگی‌هایی مانند کنجکاوی شدید، تأثیرپذیری از گروه همسالان، عدم بلوغ کامل قوه‌ی تمیز و قضاوت، ناپایداری هیجانی و جست‌وجوی هویت، آنان را مستعد خطا و انحراف می‌سازد (سیف، ۱۳۹۹، ص ۲۳۰). محیط مدرسه، که بستر اصلی رشد و جامعه‌پذیری آنان است، می‌تواند هم عامل پیشگیری و هم (در صورت غفلت) بستر بروز رفتارهای ناهنجار باشد. اجرای مجازات‌های حدی خشن در مورد این گروه، نه تنها ممکن است نتواند هدف اصلاح و بازپروری را محقق سازد، بلکه با ایجاد انگ اجتماعی عمیق، طرد از سیستم آموزشی، و تجربه‌ی آسیب‌های روانی شدید (مانند حبس در کنار مجرمان حرفه‌ای)، مسیر بازگشت آنان به جامعه (بازاجتماعی‌سازی) را به شدت دشوار یا ناممکن ساخته و حتی آنان را به سمت بزهکاری مستمر سوق دهد (کاویانی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۷). اینجاست که ضرورت یافتن راه‌حلی انسانی و منطبق با اهداف تربیتی در چارچوب مقررات شرعی آشکار می‌شود.

نهاد فقهی «توبه» به عنوان یکی از اسباب سقوط مجازات حدی در فقه امامیه، ظرفیت قابل توجهی برای حل این تعارض و ایجاد پلی بین عدالت کیفری اسلامی و اهداف تربیتی در محیط‌های آموزشی دارد. توبه، که به معنای بازگشت قلبی و عملی از گناه همراه با ندامت و عزم بر ترک دائمی است، در صورت تحقق شرایط شرعی آن قبل از اثبات جرم نزد حاکم، به اجماع فقها موجب سقوط مجازات حدی می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق.، ج ۱، ص ۳۵۴؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۹). این امتیاز شرعی، نه یک رهایی ساده از مجازات، بلکه فرصتی استثنایی برای اصلاح درونی، جبران گذشته و بازگشت به مسیر صحیح زندگی است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که توبه، با استناد به چه مبانی فقهی مستحکمی می‌تواند به طور خاص در جرایم حدی دانش‌آموزان موجب سقوط مجازات گردد و مهم‌تر آنکه، پیامدهای تربیتی و نقش آن در

پژوهش در صدد پر کردن بخشی از این خلأ علمی است.

اهداف اصلی این پژوهش را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: نخست، تبیین مبانی فقهی مشروعیت تأثیر توبه در سقوط مجازات‌های حدی با تأکید ویژه بر ویژگی‌ها و شرایط خاص دانش‌آموزان و استخراج قواعد فقهی مرتبط (مانند قبح عقاب بلایان، توسعه‌ی شبهه، تقدم اهداف تربیتی). دوم، تحلیل دقیق شرایط و کیفیت توبه‌ی مؤثر در سقوط مجازات حدی برای این گروه سنی و نقش نهادهای حمایتی مانند خانواده و مدرسه در این فرآیند. سوم، ارزیابی جامع پیامدهای تربیتی (هم مثبت و هم چالش‌های احتمالی) اعمال نهاد توبه در جرایم حدی دانش‌آموزی. چهارم، بررسی نقش توبه در تسهیل فرآیند بازاجتماعی‌سازی و پیشگیری از تکرار جرم در این قشر. در نهایت، ارائه‌ی پیشنهادات سیاستی کاربردی برای نظام قضایی و تربیتی کشور. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی با رویکردی بین‌رشته‌ای (فقه-حقوق-علوم تربیتی) و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای-اسنادی با مطالعه‌ی عمیق منابع مرتبط است. فصول آتی به ترتیب به بررسی مفاهیم و چارچوب نظری، تبیین مبانی فقهی، ارزیابی پیامدهای تربیتی و بازاجتماعی‌سازی، و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات اختصاص خواهد یافت.

مفاهیم کلیدی و چارچوب نظری

درک دقیق مفاهیم پایه‌ای این پژوهش، سنگ بنای تحلیل‌های بعدی در حوزه فقهی، حقوقی و تربیتی را تشکیل می‌دهد. نخستین و محوری‌ترین مفهوم، «توبه» است که در لغت به معنای بازگشت و رجوع است و در اصطلاح فقهی و اخلاقی، به بازگشت قلبی بنده از معصیت به سوی اطاعت پروردگار، همراه با ندامت واقعی از گناه گذشته، عزم جدی بر ترک دائم آن در آینده و در صورت امکان، جبران حقوق تضییع‌شده دیگران اطلاق

می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۰). توبه در فقه امامیه، به ویژه در جرایم حدی، دارای آثاری حقوقی مهم است که مهم‌ترین آن، سقوط مجازات حدی در صورت تحقق شرایط خاص (مانند وقوع آن قبل از اثبات جرم نزد حاکم شرع) می‌باشد. این مفهوم، صرفاً یک پدیده فردی و درونی نیست، بلکه در بستر اجتماعی جرایم دانش‌آموزی، می‌تواند به عنوان یک مکانیسم حقوقی-تربیتی مؤثر برای خروج از چرخه کیفری و تسهیل بازگشت به جامعه عمل کند، مشروط بر آنکه با اقدامات حمایتی و اصلاحی همراه گردد.

مفهوم دوم، «مجازات‌های حدی» است که به مجازات‌های معین و غیرقابل تغییر شرعی اطلاق می‌شود که نوع، میزان و کیفیت اجرای آن‌ها به طور دقیق در شریعت اسلام تعیین شده و هدف اصلی از تشریع آن‌ها، حفظ ضروریات دین و مصالح کلان جامعه اسلامی (نظیر حفظ نفس، نسل، عقل، ناموس، مال و امنیت) است (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). این مجازات‌ها، نظیر حد سرقت، حد زنا، حد قذف، حد محاربه و افساد فی الارض، و حد شرب خمر، به دلیل شدت و گاه آثار غیرقابل جبران (مانند اعدام یا قطع عضو)، حساسیت فوق‌العاده‌ای دارند. فلسفه تشریع حدود، ترکیبی از اهداف سزادهی، دفاع اجتماعی، بازدارندگی عمومی و خصوصی، و در نهایت، اصلاح فرد و جامعه ذکر شده است (شهیدی، ۱۳۹۸، ص ۷۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۵). با این حال، کاربست بی‌ملاحظه این مجازات‌ها در مورد دانش‌آموزان، که در مرحله حساس شکل‌گیری شخصیت هستند، می‌تواند در تعارض آشکار با اهداف تربیتی و اصلاحی نظام آموزشی قرار گیرد.

«جرایم دانش‌آموزی» به رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که توسط افراد در سن تحصیل (معمولاً ۶ تا ۱۸ سال) و غالباً در ارتباط با محیط آموزشی (اعم از درون مدرسه، مسیر مدرسه یا فعالیت‌های مرتبط با مدرسه) یا تحت تأثیر عوامل مرتبط با این محیط ارتکاب می‌یابد.

دامنه این جرایم می‌تواند از تخلفات انضباطی تا جرایم جدی‌تر، از جمله برخی جرایم مستوجب حد (مانند سرقت، قذف، یا در موارد نادرتر، جرایم مرتبط با مواد مخدر یا منافی عفت) گسترده باشد. ویژگی‌های خاص این جرایم، غالباً ناشی از شرایط سنی، تأثیرپذیری از گروه همسالان، کنجکاوی، هیجان‌طلبی، ضعف در مهارت‌های حل مسئله، تجربه محدود زندگی، و گاه فشارهای روانی-اجتماعی درون محیط آموزشی یا خانوادگی است (کاویانی، ۱۴۰۰، ص ۶۳؛ شفیعی‌آبادی، ۱۴۰۱، ص ۴۱۲). درک این ویژگی‌ها برای ارزیابی نقش توبه و مجازات‌های جایگزین حیاتی است.

«سقوط مجازات» به شرایطی اشاره دارد که به موجب قانون یا مقررات شرعی، مجازات قانونی جرم ارتکابیافته، قابل اجرا نباشد. اسباب سقوط مجازات متنوع هستند، از جمله مرور زمان (در جرایم تعزیری)، عفو خصوصی یا عمومی، گذشت شاکی خصوصی، توبه (در جرایم حدی و برخی تعزیرات) و در مورد اطفال و نوجوانان، رشد نیافتگی و فقدان مسئولیت کیفری کامل (مواد ۱۴۶ و ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی). اثر سقوط مجازات، رهایی مجرم از تحمل کیفر مقرر است، اما این به معنای نادیده گرفتن جرم یا بی‌اثر بودن کامل آن نیست؛ ممکن است آثار تبعی حقوقی یا اقدامات تأمینی و تربیتی همچنان اعمال گردد. در مورد توبه در جرایم حدی، سقوط مجازات اصلی (حد) با تحقق شرایط شرعی، امری مسلم در فقه است، اما این سقوط، مجازات‌های تعزیری تکمیلی یا اقدامات اصلاحی-تربیتی را منتفی نمی‌سازد (طاهری، ۱۳۹۵، ص ۴۲۲).

«بازاجتماعی‌سازی» فرآیندی هدفمند و پویاست که درصد آماده‌سازی فرد بزهکار (به ویژه نوجوان) برای بازگشت موفقیت‌آمیز به جامعه، پذیرش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، و پیشگیری از تکرار جرم از طریق مداخلات اصلاحی، درمانی، آموزشی و حمایتی است (نوربها، ۱۳۹۷، ص ۷۳۰). در مورد دانش‌آموزان، این فرآیند اهمیت مضاعفی می‌یابد، چرا که محیط اصلی جامعه‌پذیری آنان، مدرسه و خانواده است و هرگونه طرد

یا برچسب‌زنی می‌تواند آینده آنان را به مخاطره اندازد. مراحل بازاجتماعی‌سازی معمولاً شامل ارزیابی نیازها و خطرات، ارائه آموزش‌های مهارت‌های زندگی، تحصیلی و حرفه‌ای، مشاوره روانشناختی، مددکاری اجتماعی، جبران خسارت بزه‌دیده (در صورت امکان)، و پیگیری پس از خروج از فرآیند قضایی یا اصلاحی است. موفقیت این فرآیند، مستلزم همکاری نهادهای قضایی، آموزشی، خانواده و سازمان‌های مردم‌نهاد است. توبه واقعی، به عنوان نقطه عطفی در تغییر نگرش فرد، می‌تواند نقش کاتالیزوری در تسهیل و تسریع این فرآیند ایفا کند.

ویژگی‌های روانی-اجتماعی دانش‌آموزان (نوجوانان)، بنیان‌های نظری و عملی هرگونه مداخله قضایی یا تربیتی را شکل می‌دهد. از منظر حقوقی، مسئولیت کیفری نوجوانان در نظام حقوقی ایران (مبتنی بر فقه امامیه) «ناقص» یا «تدریجی» است؛ بدین معنا که افراد زیر ۱۸ سال قمری، به طور کامل مسئول اعمال مجرمانه خود شناخته نمی‌شوند و مجازات آنان با افراد بالغ تفاوت دارد (مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی). از منظر روانشناسی رشد، نوجوانی دوره‌ای از تغییرات سریع جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی است. ویژگی‌هایی مانند جست‌وجوی هویت، تأثیرپذیری شدید از همسالان، تمایل به استقلال‌طلبی (گاه همراه با مخالفت‌جویی)، رشد نیافتگی قضاوت اخلاقی و پیش‌بینی پیامدهای بلندمدت اعمال، نوسانات خلقی، و افزایش تمایلات هیجان‌طلبی و ریسک‌پذیری، آنان را مستعد ارتکاب خطا و جرم می‌سازد (سیف، ۱۳۹۹، ص ۲۵۱؛ شفیعی‌آبادی، ۱۴۰۱، ص ۳۹۸). این ویژگی‌ها، لزوم رویکردی حمایتی، اصلاحی و تربیتی به جای رویکرد صرفاً سزادهنده را در قبال جرایم آنان، به ویژه جرایم خطیر حدی، بیش از پیش آشکار می‌سازد.

چارچوب نظری این پژوهش، برآمده از تلفیق سه حوزه معرفتی است: فقه و حقوق کیفری اسلام، روانشناسی رشد و تربیتی، و جرم‌شناسی اصلاحی-تربیتی. در حوزه فقهی، نظریه‌های مبتنی بر اهداف مجازات‌ها در اسلام

سنگ بنای استدلال در تطبیق خاص بر دانش‌آموزان است (طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۲۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق.، ص ۱۲۲).

سنت معصومین (ع) به عنوان دومین رکن استدلال، با سیره‌ی عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در عفو مجرمان تائب، به‌ویژه پیش از اثبات جرم نزد حاکم، این مبنا را تقویت می‌کند. روایات متعددی در منابع معتبر شیعی، مانند وسائل الشیعه، بر پذیرش توبه و سقوط حد تصریح دارند؛ از جمله روایتی از امام صادق (ع) که فرمودند: "التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ" (تائب از گناه، مانند کسی است که گناهی ندارد) (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۵، باب ۱ از ابواب حد السرقة). نمونه‌های تاریخی متعدد، مانند عفو سارق تائب توسط پیامبر (ص)، مؤید این رویکرد رحمت‌محور است. اجماع فقهای امامیه نیز به عنوان دلیل سوم، بر این حکم گواهی می‌دهد؛ به گونه‌ای که در کتب فقهی استدلالی و فتوایی، از شهید اول و ثانی تا معاصران مانند امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، سقوط حد با توبه‌ی شرعی پیش از اثبات، مسلم انگاشته شده است (خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۸۳؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ص ۱۲۳۴).

دلیل عقلی به عنوان چهارمین رکن، با تحلیل حکمت تشریع مجازات‌ها در اسلام تبیین می‌شود. هدف اصلی حدود، نه انتقام‌جویی یا آزار مجرم، بلکه دفاع از جامعه، بازدارندگی، و مهم‌تر از همه، اصلاح فرد و بازگرداندن او به مسیر صحیح است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۲۱۵). توبه‌ی واقعی، که متضمن ندامت قلبی، تصمیم بر ترک جرمی و جبران حقوق الناس (در صورت امکان) است، دقیقاً در راستای تحقق همین غایت اصلاحی قرار دارد. هنگامی که فردی از درون دگرگون شده و مسیر اصلاح را در پیش می‌گیرد، اجرای مجازات حدی که ممکن است آثار مخرب جبران‌ناپذیری بر جسم و روان او (به‌ویژه در سنین حساس نوجوانی) داشته باشد، نه تنها ضرورت خود را از دست می‌دهد، بلکه می‌تواند ضدیت با فلسفه‌ی اصلاحی

(عدالت، اصلاح فردی و اجتماعی، دفاع از جامعه، بازدارندگی) و اولویت اهداف عالیه شریعت (حفظ نفس، عقل، نسل) به‌ویژه در مورد افراد قابل اصلاح مانند نوجوانان، مبنای نظری تأثیر توبه را فراهم می‌آورند (مطهری، ۱۳۷۷؛ ماوردی، ۱۴۰۹ق.). در روانشناسی، نظریه‌های رشد اخلاقی (کولبرگ)، یادگیری اجتماعی (باندورا) و نقش برچسب‌زنی در تثبیت رفتار منفی، اهمیت فرصت اصلاح بدون انگ‌زنی را تبیین می‌کنند (Bandura, 1977؛ شفیعی‌آبادی، ۱۴۰۱). جرم‌شناسی نوین نوجوانان نیز بر پیشگیری رشد‌محور، عدالت ترمیمی و بازاجتماعی‌سازی به جای مجازات‌های خشن و طردکننده تأکید دارد (کاویانی، ۱۴۰۰). تلفیق این چارچوب‌ها نشان می‌دهد که نهاد توبه در فقه، ظرفیت قابل توجهی برای هم‌سویی با اهداف اصلاحی روانشناسی و جرم‌شناسی در مورد دانش‌آموزان بزهکار دارد.

تبیین مبانی فقهی تأثیر توبه در سقوط مجازات‌های حدی برای دانش‌آموزان

مشروعیت تأثیر توبه در سقوط مجازات‌های حدی، ریشه در ادله‌ی چهارگانه‌ی فقه اسلامی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) دارد و این امر نزد فقهای امامیه اجماعی محسوب می‌شود. آیات قرآن کریم، به‌صراحت بر پذیرش توبه و عفو الهی تأکید دارند؛ آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی مائده ("...فَتُوبُوا إِلَىٰ إِيَّاهُمْ فَإِنْ تُبْنُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ...") خطاب به سارقان، آنان را به توبه و بازگشت فراخوانده و آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی نساء ("وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا") عمومیت رحمت الهی در پذیرش توبه را بیان می‌کند. این آیات، مبنای نقلی اولیه برای سقوط حد با توبه را تشکیل می‌دهند، چرا که توبه‌ی واقعی، موجب پاک شدن گناه و تغییر وضعیت باطنی فرد می‌گردد و اجرای حد بر فردی که حقیقتاً پاک شده، با فلسفه‌ی مجازات در تعارض است. این اصل کلی،

داشته و فرد را به ورطه یأس و انزوا یا حتی تکرار جرم سوق دهد. عقل سلیم حکم می‌کند که در چنین مواردی، کیفر متوقف و مسیر تربیتی تقویت شود (نوربها، ۱۳۹۷، ص ۵۸۰).

هنگامی که مرتکب جرم حدی، یک دانش‌آموز نوجوان باشد، استدلال بر مشروعیت و حتی اولویت تأثیر توبه در سقوط حد، قوت مضاعف می‌یابد. قاعده فقهی محکم "قُبِحَ عِقَابُ بِلَا بَيَانٍ" (زشتی مجازات بدون اعلام قبلی حکم) در اینجا کاربرد بنیادین دارد. بسیاری از دانش‌آموزان، به ویژه در سنین پایین‌تر یا با پیشینه‌ی تربیتی ضعیف، ممکن است آگاهی کافی و عمیق از حرمت ذاتی، شدت عقوبت و پیامدهای دنیوی و اخروی جرایم حدی نداشته باشند. انتظار از آنان برای درکی هم‌پایه با افراد بالغ و آگاه، منصفانه نیست. بر اساس این قاعده، مجازات شدید حدی بدون اطمینان از "بیان" کامل و تفهیم مؤثر حکم به نوجوان، قبیح و ناعادلانه تلقی می‌شود. بنابراین، توبه‌ی آنان حتی با شبهه در علم به حکم یا موضوع، باید با تسامح بیشتری پذیرفته شود تا از ظلم احتمالی جلوگیری گردد (انصاری، ۱۴۱۵ق.، ج ۱، ص ۱۵۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۰).

مفهوم "شبهه" به عنوان یکی از موانع ثبوت حد در فقه، می‌تواند در مورد دانش‌آموزان توسعه یابد. شبهه معمولاً به حالتی اطلاق می‌شود که مرتکب، به جهتی (مانند جهل به حکم، جهل به موضوع یا اشتباه در مصداق) عمل خود را حلال یا فاقد کیفر شدید بپندارد. با توجه به ویژگی‌های رشدی نوجوانان (نقص در قوه‌ی تمیز، تأثیرپذیری از محیط، رشد نیافتگی قضاوت اخلاقی)، می‌توان استدلال کرد که دایره‌ی شبهه در مورد آنان گسترده‌تر از افراد بالغ است. توسعه‌ی دایره شبهه برای دانش‌آموزان، به معنای پذیرش بیشتر این احتمال است که آنان به دلیل شرایط سنی و تربیتی، درک صحیحی از حرمت ذاتی یا شدت کیفر عمل ارتكابی نداشته‌اند. این توسعه، مستند به عناوین ثانویه‌ی "حفظ نظام" و "حفظ نفوس" است، چرا که اجرای حد بر نوجوانان ناآگاه یا

کم‌آگاه، می‌تواند نظام تربیتی جامعه را مختل و سرمایه‌های انسانی آن را نابود کند. در چنین مواردی، توبه‌ی دانش‌آموز، حتی اگر شبهه احراز نشود، باید با ملاحظه این بستر رشدی خاص، به عنوان عامل سقوط حد مورد توجه جدی قرار گیرد (شهیدی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۳۴).

تقدم اهداف تربیتی و اصلاحی بر اجرای صرف مجازات، مبنای فقهی دیگری است که به ویژه در مورد نوجوانان پررنگ می‌شود. اهداف عالی‌ی شریعت (مصالح پنج‌گانه: حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال)، حفظ نفس و تربیت افراد صالح را در رأس قرار می‌دهد. امام خمینی (ره) تصریح می‌کنند که "هدف از مجازات‌ها، اصلاح جامعه است" (خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۲۵). در مورد دانش‌آموز مرتکب جرم حدی، که قابلیت بالایی برای اصلاح و بازگشت به مسیر صحیح دارد، اجرای مجازات سنگین حدی که ممکن است نه تنها او را اصلاح نکند، بلکه مسیر انحراف او را تثبیت و بازگشتش را ناممکن سازد، با این اهداف عالی‌ی در تعارض است. پذیرش توبه و جایگزینی مجازات با اقدامات تربیتی و اصلاحی، مصداق بارز "جلب مصلحت اهم" (تربیت و حفظ فرد) در مقابل "دفع مفسده‌ی مهم" (عدم اجرای فوری حد) است. این رویکرد، تجلی رحمت و اسعه‌ی اسلامی و اولویت بخشیدن به نجات و هدایت فرد است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق.، ص ۱۵۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸).

شرایط توبه‌ی مؤثر در سقوط حد برای دانش‌آموزان، ضمن حفظ ارکان اصلی (ندامت قلبی، عزم جزمی بر ترک دائم، جبران حقوق الناس در صورت امکان)، نیازمند ملاحظات خاصی است. نقش نیت و *یسکرن* درونی نوجوان، به دلیل پیچیدگی‌های روانی این سن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و صرف اظهار لفظی کافی نیست. قضاوت و نهادهای ذی‌ربط باید با کمک کارشناسان روانشناسی و علوم تربیتی، نشانه‌های صداقت در توبه (مانند ابراز پشیمانی متناسب با سن، همکاری با برنامه‌های اصلاحی، تغییر محسوس در رفتار) را بررسی

کنند. اهمیت همراهی توبه با اقدامات تربیتی و اصلاحی (آموزش‌های دینی و اخلاقی، مشاوره‌های فردی و گروهی، مهارت‌آموزی) به عنوان شرط ضمنی یا لازمه‌ی تحقق توبه‌ی واقعی در این سنین ضروری است. نقش محوری خانواده و محیط آموزشی در تسهیل روند توبه و نظارت بر تداوم آن نیز غیرقابل انکار است. احراز توبه نباید صرفاً یک فرآیند قضایی کوتاه‌مدت باشد، بلکه مستلزم یک برنامه‌ی حمایتی بلندمدت برای تضمین بازگشت پایدار دانش‌آموز به مسیر صحیح است. در این راستا، سازوکارهایی مانند تعهد کتبی والدین و مدرسه به همراهی در فرآیند اصلاح، می‌تواند مفید باشد (فتحی واجارگاه، ۱۳۹۶، ص ۳۲۰؛ شفیعی‌آبادی، ۱۴۰۱، ص ۴۵۰).

ارزیابی پیامدهای تربیتی و نقش توبه در بازاجتماعی‌سازی دانش‌آموزان

اعمال نهاد توبه در جرایم حدی دانش‌آموزی، با ایجاد فرصت اصلاح و بازگشت، بنیادی‌ترین پیامد تربیتی مثبت را به همراه دارد. دانش‌آموز مرتکب جرم خطیر، در معرض خطر برچسب‌زنی دائمی "بزهکار" یا "حذخورده" قرار دارد که به‌گفته ادوین لم‌رت (نظریه برچسب‌زنی)، می‌تواند هویت منفی را درونی کرده و چرخه بزهکاری را تداوم بخشد. توبه، با جلوگیری از ورود رسمی فرد به سیستم کیفری سنگین و اجرای مجازات‌های تحقیرآمیز (مانند شلاق در ملأ عام)، مانع شکل‌گیری این برچسب مخرب می‌شود. این امر به دانش‌آموز اجازه می‌دهد با حفظ کرامت انسانی خود، در محیط آموزشی و خانوادگی باقی بماند و هویت "تائب قابل اصلاح" را جایگزین هویت "مجرم" کند. ایجاد این امید به بازگشت و پذیرش مجدد، شرط ضروری برای انگیزه‌یابی جهت تغییر رفتار است و از یأس و انزوا که خود عامل تکرار جرم است، پیشگیری می‌کند. این فرآیند، همسو با هدف تربیت اسلامی مبنی بر ایجاد زمینه‌ی توبه و بازگشت برای همه گناهکاران است (شفیعی‌آبادی، ۱۴۰۱، ص ۴۸۸؛ کاویانی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۵).

پیامد تربیتی عمیق‌تر، تقویت مسئولیت‌پذیری اخلاقی به جای اتکا به انگیزه‌های بیرونی است. مجازات‌های حدی هرچند بازدارنده هستند، اما اغلب بر ترس از درد و تنبیه متمرکزند. در مقابل، توبه واقعی، دانش‌آموز را به درون‌نگری، پذیرش عواقب اخلاقی عمل خود و احساس ندامت قلبی سوق می‌دهد. این فرآیند، مبتنی بر نظریه رشد اخلاقی "کولبرگ" است که سطح "اخلاق پس‌قراردادی" (توجه به اصول جهانی و وجدان فردی) را والاترین مرحله می‌داند. هنگامی که دانش‌آموز از ترس مجازات جسمانی به سادگی نمی‌گزد، بلکه از روی ندامت درونی و درک زشتی ذاتی عمل، به جبران خسارت (در صورت امکان) یا انجام خدمات عام‌المنفعه رضایت می‌دهد، "وجدان اخلاقی" او پرورش می‌یابد. این تحول درونی، پایدارتر از اطاعت مبتنی بر ترس است و احتمال تکرار جرم را به مراتب کاهش می‌دهد. محیط آموزشی نیز با بهره‌گیری از این فرصت، می‌تواند با برنامه‌های آموزش ارزش‌ها و مهارت‌های تصمیم‌گیری اخلاقی، این وجدان بیدار شده را تقویت کند (سیف، ۱۳۹۹، ص ۴۰۲؛ نصرتی، ۱۳۹۸، ص ۹۷).

با این وجود، اعمال نهاد توبه چالش‌ها و پیامدهای منفی احتمالی نیز دارد که غفلت از آن‌ها می‌تواند کل سیستم را بی‌اثر سازد. مهم‌ترین نگرانی، سوءاستفاده راهبردی از این نهاد است؛ بدین معنا که دانش‌آموز (یا اولیای او) صرفاً برای فرار از مجازات شدید، توبه را "وانمود" کند، بدون آن‌که تغییر قلبی و عزم واقعی بر ترک وجود داشته باشد. این رفتار نه تنها اصلاح‌پذیری فرد را زیر سؤال می‌برد، بلکه با بی‌اهمیت جلوه دادن جرم در نگاه دیگر دانش‌آموزان، می‌تواند اثر بازدارندگی عمومی حدود را تضعیف نماید. به‌ویژه در محیط‌های آموزشی که رفتارها به سرعت الگوبرداری می‌شوند، این خطر وجود دارد که دانش‌آموزان تصور کنند می‌توان با ابراز توبه‌ای سطحی، از عواقب شدید جرایم جدی فرار کرد. این امر مستلزم طراحی سازوکارهای دقیق تشخیص توبه‌ی صادقانه است (فتحی واجارگاه، ۱۳۹۶، ص ۲۸۵).

دانش‌آموز و ارائه گزارش دوره‌ای به مرجع قضایی، ضمانت اجرای این برنامه‌هاست (شفیع‌آبادی، ۱۴۰۱، ص ۵۰۲؛ فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶، ص ۳۳۰).

نقش توبه در تسهیل فرآیند بازاجتماعی‌سازی دانش‌آموز، با جلوگیری از گسست‌های مخرب آغاز می‌شود. اجرای مجازات‌های حدی مانند حبس طولانی‌مدت، دانش‌آموز را از دو رکن اصلی جامعه‌پذیری - "خانواده" و "مدرسه" - جدا ساخته و او را در معرض معاشرت با مجرمان حرفه‌ای و یادگیری الگوهای بزهکاری جدید قرار می‌دهد. توبه، با حفظ دانش‌آموز در این محیط‌های طبیعی، امکان ادامه تحصیل و زندگی عادی را فراهم می‌کند. حضور مستمر در کلاس درس، نه تنها از عقب‌افتادگی تحصیلی جلوگیری می‌نماید، بلکه با ایجاد حس تعلق به جمع و مسئولیت‌پذیری در قبال آینده، عاملی محرک برای اصلاح رفتار است. مشارکت در فعالیت‌های جمعی مدرسه تحت نظارت، به ترمیم تصویر فردی و اجتماعی او کمک شایانی می‌کند. این تداوم ارتباط، سنگ بنای بازاجتماعی‌سازی موفق است (سیف، ۱۳۹۹، ص ۴۱۵؛ نصرتی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵).

مؤلفه کلیدی دیگر، تمرکز بر درمان و اصلاح به جای مجازات صرف است. توبه، مسیر را برای اجرای "جایگزین‌های سازنده‌ی مجازات" هموار می‌سازد. خدمات عام‌المنفعه تحت نظارت مدرسه یا نهادهای مردمی (مانند کمک به کتابخانه، نگهداری فضای سبز مدرسه، مشارکت در اردوهای جهادی)، پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با مضرات جرم ارتكابی (مثبت‌ن تحقیق درباره آثار سرقت بر اعتماد اجتماعی)، یا گذراندن دوره‌های آموزشی خاص، نه تنها تنبیهی متناسب هستند، بلکه مهارت‌ها و حس مفیدبودن را در فرد تقویت می‌کنند. تقویت پیوندهای اجتماعی از طریق حفظ و بهبود ارتباط با خانواده (با ارائه آموزش به والدین برای حمایت صحیح)، دوستان سالم (با نظارت بر معاشرت‌ها)، و جامعه مدرسه (از طریق فعالیت‌های مشارکتی)، شبکه حمایتی ضروری برای بازگشت پایدار را ایجاد می‌کند. سرانجام، کاهش انگ

چالش عمیق‌تر، کم‌توجهی به حقوق و نیازهای بزه‌دیده در فرآیند توبه است. تمرکز صرف بر اصلاح بزهکار و سقوط مجازات، ممکن است به محرومیت بزه‌دیده (که ممکن است هم‌کلاسی یا عضو دیگری از جامعه مدرسه باشد) از دریافت حقیقت، جبران خسارت و التیام روانی بینجامد. در جرایمی مانند قذف (تهمت ناروا) یا سرقت، آسیب روانی و مادی بزه‌دیده می‌تواند عمیق باشد. عدالت ترمیمی به عنوان رویکردی مکمل، تأکید می‌کند که فرآیند توبه باید شامل "جبران فعال" توسط بزهکار نسبت به بزه‌دیده و جامعه باشد. در محیط دانش‌آموزی، این می‌تواند به شکل عذرخواهی حضوری (با نظارت مشاور)، جبران مالی (در سرقت)، انجام خدمات برای مدرسه یا فعالیت‌های عام‌المنفعه تحت نظارت، و مشارکت در جلسات میانجی‌گری مدرسه‌محور صورت گیرد. این اقدامات نه تنها به التیام بزه‌دیده کمک می‌کند، بلکه حس مسئولیت‌پذیری واقعی را در دانش‌آموز تائب تقویت می‌نماید (کاویانی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۲؛ شجاعی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴).

برای کاهش چالش‌ها و تحقق اهداف تربیتی، همراهی توبه با برنامه‌های مداخله‌ای چندبعدی ضرورتی انکارناپذیر است. توبه به تنهایی، به‌ویژه در نوجوانی که مرحله‌ی گذار است، برای تضمین تغییر پایدار کافی نیست. سازوکارهای احراز توبه باید شامل ارزیابی روانشناختی توسط متخصصان آموزش‌دیده برای تشخیص نشانه‌های صداقت (ندامت متناسب سن، درک پیامدهای عمل، همکاری داوطلبانه) باشد. برنامه‌های اجباری اصلاحی باید بلافاصله پس از احراز توبه آغاز شوند، از جمله: آموزش‌های مذهبی و اخلاقی هدفمند (تبیین فلسفه حرمت جرایم حدی)، مشاوره‌های فردی و گروهی برای ریشه‌یابی انگیزه جرم (مثبت‌ن خانواده یا ضعف مهارت‌های اجتماعی)، آموزش مهارت‌های حل مسئله، کنترل خشم و تصمیم‌گیری اخلاقی، و مددکاری اجتماعی برای حل مشکلات زمینه‌ساز (فقر، اعتیاد در خانواده). نظارت مستمر مدرسه و خانواده بر پیشرفت

اجتماعی با محرمانه نگه داشتن فرآیند توبه و اصلاح حد امکان و معرفی فرد به عنوان "دانش‌آموزی که مسیر اصلاح را می‌پیماید" به جای "مرتکب جرم حدی"، شانس پذیرش مجدد اجتماعی را به شدت افزایش می‌دهد. این رویکرد ترکیبی، توبه را از یک رخصت فقهی به ابزاری توانمندساز برای بازگرداندن دانش‌آموز به مسیر رشد تبدیل می‌کند (کاویانی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۷؛ شجاعی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵).

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

جمع‌بندی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مبانی فقهی مشروعیت تأثیر توبه در سقوط مجازات‌های حدی، به‌ویژه برای دانش‌آموزان، از استحکام قابل‌توجهی برخوردار است. ادله‌ی نقلی (آیات قرآن مانند مائده: ۳۸ و نساء: ۳۳، سیره‌ی عملی معصومین در عفو تائبان)، اجماع فقها، و دلیل عقلی مبتنی بر حکمت اصلاحی مجازات‌ها، پایه‌های عام این مشروعیت را تشکیل می‌دهند. افزون بر این، قواعد اختصاصی مانند "قبح عقاب بلابیان" (ناظر به فقدان آگاهی کافی نوجوانان از کیفیات جرایم حدی)، "توسعه‌ی دایره‌ی شبهه" (با توجه به نقص رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان)، و "تقدم مصلحت تربیت و حفظ نفس" بر اجرای صرف کیفر، پشتوانه‌ی محکمی برای اولویت‌بخشیدن به نهاد توبه در این جرایم فراهم می‌آورند. احراز توبه در این گروه سنی، هرچند مستلزم ندامت قلبی و عزم بر ترک است، اما با توجه به ویژگی‌های روانی آنان، نیازمند سازوکارهای تشخیصی منعطف‌تر و همراهی برنامه‌های تربیتی است (شهیدی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۰).

در بعد تربیتی، یافته‌ها حاکی از پتانسیل بالای توبه در بازاجتماعی‌سازی دانش‌آموزان است. جلوگیری از برچسب‌زنی مخرب "بزه‌کار"، حفظ کرامت انسانی و پیوندهای اجتماعی (خانواده، مدرسه)، تقویت مسئولیت‌پذیری اخلاقی درونی به جای انگیزش مبتنی بر

ترس، و ایجاد فرصت برای مداخلات اصلاحی هدفمند، از بارزترین پیامدهای مثبت این نهاد هستند. با این حال، چالش‌هایی مانند خطر سوءاستفاده راهبردی (وانمودسازی توبه)، کاهش ادراکی بازدارندگی عمومی، و غفلت از حقوق بزه‌دیدگان، لزوم طراحی سازوکارهای دقیق احراز توبه و تلفیق آن با رویکرد "عدالت ترمیمی" را آشکار می‌سازد. موفقیت توبه در تحقق اهداف تربیتی، منوط به همراهی آن با برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و مهارت‌آموزی بلندمدت تحت نظارت نهادهای متخصص است (شفیع‌آبادی، ۱۴۰۱، ص ۵۱۰؛ کاویانی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۵).

نتیجه‌گیری کلی پژوهش آن است که توبه می‌تواند به عنوان محور سیاست کیفری تربیت‌محور در جرایم حدی دانش‌آموزی عمل کند. این نهاد فقهی، پلی بین الزامات عدالت کیفری اسلامی و اهداف عالی‌هی تربیت و بازپروری نوجوانان ایجاد می‌کند. پذیرش توبه نه تنها با موازین شرعی سازگار است، بلکه با اصول روانشناسی رشد (حساسیت دوره نوجوانی، قابلیت بالای اصلاح) و جرم‌شناسی نوین (پرهیز از برچسب‌زنی، تأکید بر بازاجتماعی‌سازی) هم‌سو می‌باشد. موفقیت این رویکرد، در گرو خروج از نگاه صرفاً "کیفرزدایانه" به توبه و تبدیل آن به "ابزاری توانمندساز" در قالب یک فرآیند جامع مشتمل بر احراز صادقانه، جبران خسارت بزه‌دیده، اجرای برنامه‌های اصلاحی و نظارت مستمر است. این امر، تجلی عینی رحمت اسلامی و عقلانیت تربیتی در مواجهه با خطای نوجوانان است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۲۳۰؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰).

پیشنهادات حقوقی-قضایی:

تدوین آیین‌نامه‌ی تخصصی احراز توبه دانش‌آموزان: توسط قوه قضائیه با مشارکت روانشناسان تربیتی و فقه‌های حقوق کیفری، مشتمل بر شاخص‌های تشخیص توبه صادقانه متناسب با سن (ندامت، درک پیامد جرم، مشارکت داوطلبانه در جبران) و استفاده از ارزیابی‌های روانشناختی معتبر.